

نصیحت نامه

آبای قونایف

۲۰۱۸



- سرشناسه: قونابایف، آباي، ۱۸۴۵-۱۹۰۴
 Qunanbaev, Abai
 عنوان و نام پدیدآور: نصیحت‌نامه / آباي قونابایف؛ ترجمه صفر عبدالله؛ ویراستار سهیلا یوسفی.
 مشخصات نشر: تهران، انتشارات خردگان، ۱۳۹۸.
 نوبت اول: چاپ اول، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص. ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۶۶۹-۴-۵
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر برگزیده «Qara soz» است.
 موضوع: نثر ترکی قزاقی - قرن ۱۹ م.
 موضوع: Kazakh prose Literature - 19th century
 شناسه افزوده: عبدالله، صفر، ۱۳۴۰- مترجم
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷۶۲۹/۹/۷۶PL
 رده‌بندی دیویی: ۳۴۵/۸۹۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۱۲۷۹



نصیحت‌نامه

آبای قونانبايف

ترجمه صفر عبدالله
چاپ اول، تهران، ۱۳۹۸
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
ویراستار سهیلا یوسفی
چاپ کاج
صحافی نمونه

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۶۶۹-۴-۵
قیمت ۲۶۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

ملت قزاق قرن‌ها دارای ادبیات شفاهی — فولکلوریک — بسیار غنی بود! ادبیات کتبی قزاق‌ها از دهه هشتم قرن نوزده میلادی شروع شد. در به وجود آمدن و گسترش آن گرچه سهم نویسندگانی چون «ابراهیم اولتین سارین» ، «چاکن ولی خان اف» و دیگران زیاد است، اما رشد ادبیات کتبی قزاق را با نام پایه‌گذار آن «آبای قوننبایف» همراه می‌دانند. وی با نوشته‌های خود ادبیات کلاسیک قزاق را به پایه‌ای رساند که شهرت آن از مرزهای قزاقستان فراتر رفت و در ردیف ادبیات سایر کشورهای جهان جای گرفت.

«آبای قوننبایف» شاعر و متفکر بزرگ قزاق در سال ۱۸۴۵ میلادی در دامنه کوه‌های «چنگیز» حومه شهر «سیمی پلاتینسک» واقع در شمال شرق قزاقستان در خانواده‌ای ثروتمند دیده به جهان گشود. اسم کوچک او ابراهیم بود اما مادرش او را «آبای» صدا می‌زد که معنی آن در زبان قزاقی تیزهوش یا اندیشمند است. شاعر بعداً به همین نام مشهور شد. آبای از اوان کودکی توسط مادر بزرگش، خانم زیره، با افسانه‌ها، قصه‌ها و تاریخ‌نامه‌های شفاهی قوم قزاق، که اکثراً منظوم بود، آشنا شد و کم‌کم علاقه به شعر در قلب او جای گرفت طوری که در مدت کمی صداها بیت از «آقن‌های»^۱ محلی را که از مادر بزرگ خود شنیده بود به خاطر سپرد.

۱. شاعرهای مردمی، که بدون داشتن سواد شعر می‌سرودند.

آبای تحصیلات ابتدایی را نزد معلمان خصوصی در خانواده شروع کرد و از سن ۸ سالگی دانش‌آموز مدرسه امام احمد رضا در شهر سمنی پلاتینسک شد. ۵ سال تحصیل در این مدرسه و آشنایی با علوم دینی و ادبیات شرق به‌ویژه ادبیات کلاسیک ایران و خواندن اشعار شاعران بزرگ فارسی زبان همچون، فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی و دیگران ضمن انگیزش نیروی شاعری وی، میل و رغبت او را به سرودن شعر بیشتر کرد.

آبای هنگام تحصیل در این مدرسه آموزش نظم عربی و ترکی را نیز شروع نمود. بنا به گفته مختار عوض‌اف، نویسنده نامدار قزاقستان که از محققان برجسته زندگی و آثار آبای نیز است، آبای در جوانی به‌شدت تحت تأثیر شاعران مشرق‌زمین بوده است. او اشعار حماسی و غزلیات شاعران بزرگ شرق از جمله: فردوسی، نظامی، سعدی، حافظ، نوایی، فضولی و زهیرالدین بابر را از روی متن اصلی و گاه از ترجمه‌های جغتایی خوانده و اولین بار عروض را که از شعر فارسی اخذ کرده بود در شعر قزاقی مطرح کرد. لغات فارسی بسیاری از این طریق وارد زبان قزاقی شد. آبای به‌ویژه به داستان‌های هزار و یک شب علاقه زیادی داشت.^۱

آبای هم‌زمان همراه با فراگرفتن زبان‌های شرق و ادبیات پرمحتوای آن به آموزش زبان روسی نیز پرداخت ولی متأسفانه آموزش آبای در مدرسه امام احمد رضا ناتمام ماند و پس از ۵ سال تحصیل، پدرش او را مجبور کرد که دوباره به آوول^۲ برگردد.

مناقشات میان ایل و قبیله‌های قزاق برای نفوذ بیشتر و شرکت قوننبایف، پدر شاعر، در این مناقشات باعث شد که خاندان ایشان دشمنان زیادی پیدا کند. ناگفته نماند که پدر او سردار ایل «تابکتین» قزاق بود و او مجبور شد که

۱. ر. ک.: پژوهش‌های چاپ‌نشده راجع به آبای شناسی، عوض‌اف، آلماتا، ۱۹۸۸ ج. ص ۲۳۸

به زبان‌های روسی و قزاقی

۲. بیلاق

فرزندش را برای این مبارزات آماده کند. بدین جهت آبای تحصیل خود را در شهر رها کرد و با میل پدر به ده برگشت و پدرش به او کارهای اداری آموخت تا بتواند رهبری ایل را به عهده بگیرد. در زمان آبای قزاق‌ها به صورت قبیله‌های کوچک زندگی می‌کردند و هر قبیله برای خود رئیسی داشت. آبای از اوان جوانی در جریان زدوخوردها و مناقشات قبیله‌ای قرار گرفت. او روزگار سیاه مردم خویش و پایین بودن دانش فرهنگ قومش را در گوشه‌ای از کشور روسیه تزاری لمس می‌کرد و در غم آن بود که چگونه مردم را از بدبختی‌ها رهایی بخشد. او دریافته بود که اگر باسواد نباشد توده‌های مردم به‌ویژه با مناقشات موجود، به حرف او گوش نخواهند داد. او فرهنگ شفاهی مردم، تاریخ و فرهنگ آنان را کاملاً فراگرفت و هنوز جوان بود که به عنوان ناطق و سخن‌شناس شهرت یافت.

تا زمان آبای ده‌ها نفر از آقن‌های قزاق آثار شفاهی مردم و به‌ویژه نظم شفاهی را برای توده‌ها نقل می‌کردند و یا به صورت آوازخوانی ارائه می‌دادند. این سنت نسل به نسل بوده و تاکنون نیز ادامه دارد. آبای قوننبایف همه آقن‌های قبل از خود و معاصرینش را به‌خوبی می‌شناخت و هزارها بیت از حماسه‌های شفاهی را از حفظ داشت و خود نیز برای مردم نقل می‌کرد و یا به صورت آوازخوانی ارائه می‌داد.

او بی‌عدالتی بزرگ مالکان محلی را نسبت به توده‌های بی‌بضاعت با چشمان خویش می‌دید. درد آن‌ها را احساس می‌کرد و در بسیاری موارد به حمایت از ایشان برمی‌خواست و حتی با پدر خویش مخالف بود. او جانبدار کسانی بود که داغ شلاق و آزار در چهره‌هایشان هویدا بود. آبای قوننبایف در مخالفت با پدر، از عدالت و حقیقت‌پشتیبانی می‌کرد و مردم عادی بی‌نوا را حمایت می‌نمود. مخالفت پدر و پسر به حدی رسید که آن‌ها کاملاً از هم جدا شدند و آبای به هیچ وجه رضا نبود که پسر پدر خویش باشد. این بود که در سن ۲۸ سالگی تحصیل را به صورت خودآموز ادامه داد. قبل از همه آبای با جدیت به آموزش زبان روسی پرداخت. او بر آن عقیده بود که در مبارزه علیه

بی‌عدالتی‌ها که بر مردم مسلمان و مظلوم قزاق از طرف حکومت تزاری روسیه رفته است قبل از همه باید زبان آن‌ها را آموخت. او می‌دانست که زبان کلیدی است برای گشادن همه گره‌ها. در ۳۰ سالگی آبای به این نتیجه رسید که سیاست روسیه در سرزمین قزاق‌ها سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. روسیه تزاری توسط کارگزاران خویش قبیله‌های گوناگون قزاق را با هم به جنگ وامی‌داشت و آنان را در تنگنا قرار می‌داد تا جهت حل مشکلات خود حتماً به روسیه روی آورند و آبای عواقب وحشتناک ادامه این سیاست را برای مردم قزاق دریافت. او داوطلبانه در مناقشات بین قبایل و ایل‌های قزاق شرکت می‌نمود و تلاش می‌ورزید که از عدالت و حقیقت پشتیبانی نماید و چشمان مردم را باز کند. آبای بارها به دلیل طرفداری از عدالت و فعالیت بشردوستانه‌اش تعقیب و تهدید شد. اما او در این مبارزات ورزیده شد و به این نتیجه رسید که یگانه راه نجات ملت مظلوم و مسلمان قزاق باسواد کردن مردم است.

آبای با برخی از روشنفکران و علمای خاورشناس روس آشنا شد و با بعضی از آن‌ها که جهت پژوهش‌های مردم‌شناسی به قزاقستان آمده بودند از نزدیک دوستی برقرار کرد. این آشنایی از یک سو بر جهان‌بینی آبای تأثیر گذارد و از سوی دیگر پژوهشگرانی که به آموزش جغرافیا و مردم‌شناسی می‌پرداختند از محضر دانشمند و سخنوری چون آبای استفاده می‌نمودند. بسیاری از دوستان روس آبای کسانی بودند که از روسیه رانده شده بودند. آن‌ها عقیده داشتند که در مبارزه علیه حکومت تزاری باسواد نمودن توده‌های مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. آبای از طریق روشنفکران روس با آثار بزرگان سخن روس آشنایی نزدیک پیدا کرد. آشنایی با آثار پوشکین، لرماتوف، تولستوی و دیگر نویسندگان و شاعران روس باعث شد که آبای مردم قزاق را به آموزش زبان و فرهنگ روس دعوت کند. این امری طبیعی بود. چون مردمان کوچ‌نشین قزاق که دارای ادبیات شفاهی پرمحتوایی هستند از ادبیات کتبی بی‌بهره بودند و در آن روزگار بی‌تردید فرهنگ روسی پیشرفته‌تر از

فرهنگ کوچ‌نشینان قزاق بود. فراگرفتن زبان روسی و فرهنگ آن کشور در پیشرفت ملت قزاق تأثیری بسزا داشت. آبای علاوه بر آثار نویسندگان و دانشمندان روس به آثار گوته آلمانی، بایرون انگلیسی، آدام متسکیویچ لهستانی، اسپینوزا، داروین و از رهگذر ترجمه‌های روسی آشنایی پیدا کرد. این آشنایی شاعر در فعالیت ادبی او مؤثر بود و در جهان‌بینی او تأثیر عمیق گذاشت. او دریافته بود که شاعر و نویسنده برای قبیله و ایل آفرینندگی نمی‌کند. او باید روزگار قومش را در متن و بطن جامعه بشری ببیند و تلاش ورزد که آثار او برای کل جهان باشد.

آبای طی سال‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۸۶ میلادی گذشته از سرودن اشعار زیاد، کتب نویسندگان بزرگ روس را به زبان قزاقی ترجمه کرد. اثرهایی که آبای به زبان قزاقی ترجمه و نقل کرد به‌زودی میان توده‌های مردم منتشر شد و محبوبیت پیدا کرد. وی در آثار خود فضای نامناسب و زندگی مظلومانه مردم را به رشته تحریر می‌کشید و ریشه‌های اجتماعی انحطاط جامعه را مورد بررسی قرار می‌داد. او از فساد جامعه آشکارا سخن می‌راند. جامعه‌ای که دزدی، چاپلوسی، دروغ‌گویی، ریاکاری و سخن‌چینی در آن رشد کرده و این عوامل باعث بدبختی مردم شده بود، نمی‌توانست شاعر واقعی را آرام بگذارد. او با قلب ریش‌ریش خود زندگی و مناسبات اجتماعی - طبقاتی در جامعه را زیر تازیانه نقد و بررسی گرفت و تمام حسن و قبح مناسبات جامعه را آشکارا بیان کرد. هم‌زمان غزل‌گونه‌های زیادی آفرید که در آن آرزوهای نهفته درونی خویش را بیانی می‌کرد.

نزد مردمان کوچ‌نشین قزاق که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، آثار آبای و نویسندگان دیگر به صورت شفاهی زبان به زبان نقل می‌شد و به صورت پند درمی‌آمد. بنا به شهادت خود آبای و معاصرانش در دشت‌های قزاقستان در کنار ادبیات خاور همچون: هزار و یکشب، طوطی‌نامه، شاهنامه، لیلی و مجنون، کوراوغلی و غیره، آثار نویسندگان روس و برخی رمان‌های اروپایی نیز در ترجمه آبای گنجانده شده بود و نقالان این اثرها را نقل می‌کردند و انتشار می‌دادند.

آبای در سال ۱۹۸۶ میلادی برای اولین بار تلاش کرد که آثار موجود خود را در یک جلد انتشار دهد ولی متأسفانه این تلاش او بی‌نتیجه ماند، چراکه در محیط آن روز قزاقستان امکانات چاپ و انتشار موجود نبود و آثار آبای نیز پس از نوشته شدن دست به دست می‌گشت و در بسیاری از موارد نسخه‌ای نیز پیش خود نگاه نمی‌داشت. گذشته از این آثار او به حدی در میان توده‌های مردم دستکاری و جرح و تعدیل می‌شد که به قول مختار عوض‌اف گاه تفکیک برخی اشعار او از اصل و فرع محال بود. از سال ۱۸۹۰ میلادی آبای گذشته از سرودن اشعار زیاد و ترجمه، به نوشتن اثرهای داستانی نیز پرداخت. کتاب *قره‌سوز* (سخن‌های سیاه) که ما آن را به عنوان کتاب *نصیحت‌نامه* ترجمه کردیم بهترین نمونه‌های نثر شاعر و نویسنده است.

در این زمان آبای چون شاعر، خنیاگر، نویسنده و بهترین دانشنده ادبیات شفاهی مردم قزاق شهرت تمام یافته بود و از معروف‌ترین و بزرگ‌ترین شاعران قزاق به شمار می‌رفت. صدها نفر از آق‌ها، خنیاگران و آوازخوانان و آوول‌های قزاقی به دیدار او می‌آمدند. آقن معروف «بیرژن» شاعره نابینا «آژر» زنان سخنور «قواندیک و سارا» اشعار آبای را در دشت‌های قزاق نشین نقل می‌کردند و صدای قلب او را به صدای دل توده‌های مردم پیوند می‌زدند و ترانه‌های آبای در میان مردم محبوبیت بیشتری می‌یافت. مختار عوض‌اف در یکی از تألیفات خود آورده است: در بسیاری از گردهمایی‌های مردمی همچون ایام عید، ماتم، جشنواره‌ها و عروسی‌ها، آوازخوان‌ها و آق‌ها، اشعار او را می‌خواندند. جوانان با اشعار آبای به معشوق‌های خویش اظهار عشق می‌کردند. دختران هم‌دیه شاعر که ازدواج می‌کردند نسخه‌های دست‌نویس اشعار او را همراه جهاز عروسی خود به خانه شوهر می‌بردند با شعر آبای قسم یاد می‌کردند. این نشانه گویای صداقت و اخلاص مردم به اشعار شاعر مردمی است.

از شهرت روزافزون شاعر و آبرو و احترام او در نزد مردم، حاکمین وقت می‌ترسیدند و همیشه او را زیر نظر داشتند ولی صف پیروان و شاگردان و مخلصان او روز به روز بیشتر می‌شد.

آبای فرزندان خود را به شهر می‌برد تا آن‌ها در مدارس روسی به تحصیل بپردازند. دختر او «گلبدن» و پسرانش «عبدالرحمان» و «معاویه» در مدرسهٔ روسی در شهر سمی پلاتینسک به آموزش پرداختند. بعداً عبدالرحمان تحصیل خویش را در شهر سنت پترزبورگ ادامه داد و از مدرسهٔ عالی نظامی آن شهر فارغ التحصیل گردید. دخترش و معاویه به آوول برگشتند و به گروه شاگردان و پیروان پدر خویش پیوستند و معاویه یکی از شاعران زیردست مکتب پدرش گردید و با مصلحت پدر چندین داستان حماسی را به نظم درآورد، از جمله کارنامهٔ «امام شامیل» مبارز داغستانی.

آبای تمام فعالیت شاعری و انسانی خویش را برای رهایی توده‌های مردم از ظلم و ستم حاکمان وقت، و دوری از جهل و بی‌سوادی به کاربرده است. او دریافته بود که برای رسیدن به اهداف قبل از همهٔ مردم باید معرفت داشته و باسواد شوند.

نظام موجود که مردم را در جهل و تاریکی و فقر و بینوایی نگاه می‌داشت، آشکارا و با درد نقد می‌کرد و مردم را به بیداری و هشیاری دعوت می‌نمود. فعالیت آبای و پیروان او علیه رژیم روسیه تزاری و فئودال‌های محلی که هیچ‌گاه غم مردم را نمی‌خوردند، متمرکز شده بود. حاکمان وقت علیه او مبارزه‌ای نابرابر و ناجوانمردانه را آغاز کردند. آن‌ها همیشه از غضب مردم می‌ترسیدند و آشکارا به شاعر حمله نمی‌کردند و شیوه‌های پنهانی و ناجوانمردانه را به کار برده، شاگردان و پیروان شاعر را شکنجه می‌کردند. در سال ۱۸۹۷ میلادی قصد جان او را کردند ولی موفق نشدند. دشمنانش به همهٔ سازمان‌ها و ادارات موجود آن زمان گزارش‌های ناروا می‌فرستادند و به او تهمت‌ها می‌زدند و شاعر را به دشمنی با امپراتور روس و مراعات نمودن آداب و سنت‌های محلی و غیره متهم می‌نمودند. بارها خانهٔ او را جست‌وجو کردند تا به این وسیله او را تحقیر نمایند.

فرماندار محلی روسیه در قزاقستان می‌خواست او را به زندان بکشانند ولی از ترس شورش مردم از این کار خودداری کرد.

آبای قوننبایف مبارز آشتی‌ناپذیر ساختار حاکم که روسیه آن را اداره می‌کرد و حاکمان و فئودال‌های وقت و محیط فاسد و خراب جامعه را به نقد می‌کشید و به مشاور خردمند توده‌های مردم تبدیل شد. او با درد، نقص‌های جامعه را آشکارا بیان می‌کرد. به مردم راه نجات را می‌نمایاند. وی در ۲۳ ژوئن ۱۹۰۴ میلادی جهان فانی را بدرود گفت و شریک اندوه را در قلب‌های مردم مخلص و هواخواهش برجای گذاشت.

از آبای میراث فراوانی باقی مانده است که محققان آن را گردآوری نموده در دو جلد به طبع رسانده‌اند. محققان آثار آبای برآن‌اند که شاعر در کار خویش از سه سرچشمه مهم بهره برده است: ادبیات شفاهی مردم قزاق، ادبیات غنی شرق، ادبیات ایران، عرب، ترک، ادبیات روس و اروپا. میراث آبای به زبان‌های مختلف ترجمه و نشر شده است. کتابی که به خوانندگان محترم فارسی زبان ارائه می‌شود، کتاب اندیشه‌های شاعر است که اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، مبارزاتی، اخلاقی و فلسفی شاعر را در بر می‌گیرد و گامی است در راه آشنا نمودن مردم ایران با آثار این شاعر بزرگ و سایر شاعران و نویسندگان قزاق.

دکتر صفر عبدالله
آلمانی - قزاقستان